



دکتر محمد سوید

رنج مردم مسلمان لبنان از نخستین جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ آغاز شد. لبنان در این جنگ با ارتشی ناپخته و داوطلبانی غیرمنظم، در قالب ارتش نجات ملی شرکت کرد. امضای موافقتنامه آتش بس میان لبنان و رژیم صهیونیستی نه تنها به این فاجعه پایان نداد که مصایب و محنتهای مردم لبنان را افزایش داد. در طول شصت سال اخیر، لبنان همواره از درگیریهای نظامی در جنگهای اعراب و اسرائیل آسیب دیده و بارها شاهد تجاوز نظامی و بمبارانهای هوایی از سوی رژیم اشغالگر فلسطین بوده و علاوه بر خسارتهای مادی و معنوی و انسانی، همواره از پیامدهای ناشی از جنگ و آوارگان آن رنج برده است. ظهور مقاومت اسلامی و حزب الله برای نخستین بار در طول تاریخ، طعم پیروزی را به مردم لبنان و منطقه چشاند. در این مقاله، پژوهشگر نام‌آور عرب به بررسی اوضاع جنوب لبنان، پیش از پیدایش حزب الله می‌پردازد.

محمد سوید

جنوب لبنان پیش از پیدایش حزب الله...

در جریان عملیات «سلامت جلیل»، نیروهای پاسدار صلح و ایستاده به سازمان ملل متحد (یونیسف) برای دور کردن چریکهای فلسطینی از مرز فلسطین اشغالی، به جنوب لبنان اعزام شدند. این نیروها تاکنون در این منطقه حضور دارند. در اواخر سال ۱۹۸۲، نیروهای چند ملیتی متشکل از سربازان

مرز لبنان و فلسطین اشغالی از آغاز پیدایش رژیم صهیونیستی تاکنون، میدان عملیات مسلحانه پراکنده و نامنظم یا جنگهای تمام عیار بوده است. پس از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در پنجم ژوئن ۱۹۶۷، چریکها و فدائیان فلسطینی به طور چشمگیری در منطقه عروقیب در مثلث مرزی لبنان سوریه فلسطین اشغالی استقرار یافتند. مبارزان فلسطینی در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ در پی درگیریهای خونین با ارتش اردن، از پایگاههای خود در اردن اخراج شدند و به جنوب لبنان انتقال یافتند.

از سال ۱۹۷۰ تا زمان اخراج مقاومت فلسطینی از لبنان در سال ۱۹۸۲، مرز جنوب لبنان بیش از سایر جبهه‌های اعراب با اسرائیل، صحنه عملیات مسلحانه و تبادل آتش میان نیروهای فلسطینی و نظامیان صهیونیست بوده است. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی در سه دهه (۱۹۶۸-۱۹۹۸)، چهار بار حمله نظامی گسترده به لبنان انجام داده و جنوب این کشور، کانون اصلی عملیات نظامی اسرائیل بوده است. اسرائیلیها هر یک از این حمله‌ها را با واژه خاصی نام گذاری کردند که نماد اهدافشان بوده است: عملیات «لیتانی» در سال ۱۹۷۸، عملیات «سلامت جلیل» در سال ۱۹۸۲، عملیات «تسویه حساب» در سال ۱۹۹۳ و عملیات «خوشه های خشم» در سال ۱۹۹۶.

مرز لبنان و فلسطین اشغالی از آغاز پیدایش رژیم صهیونیستی تاکنون، میدان عملیات مسلحانه پراکنده و نامنظم یا جنگهای تمام عیار بوده است. پس از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در پنجم ژوئن ۱۹۶۷، چریکها و فدائیان فلسطینی به طور چشمگیری در منطقه عروقیب در مثلث مرزی لبنان سوریه فلسطین اشغالی استقرار یافتند.

تا زمانی که جنوب لبنان در اشغال ارتش رژیم صهیونیستی بود، مردم این کشور از حیات طبیعی و زندگی عادی برخوردار نبودند و خطر حمله‌های نظامی و آوارگی مردم، همواره دولت و مردم لبنان را نگران میکرد. بدین ترتیب از ابتدای به وجود آمدن رژیم صهیونیستی در سرزمین فلسطین، مسئله جنوب، مشکل اساسی لبنان بود. مردم آن سامان آرزو داشتند در آسایش و رفاه زندگی کنند و منطقه‌شان از شکوفایی اقتصادی برخوردار باشد، اما رژیم صهیونیستی با تداوم حمله‌های نظامی به لبنان و تخریب ساختارهای اقتصادی این کشور، جنوب را به کانون مقاومت ضد صهیونیستی تبدیل کرد. امر مراکز پژوهشی و تحقیقاتی بیروت نشان میدهد که رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۹ تا پیش از جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷، جمعا ۱۴۰ بار به خاک لبنان تجاوز کرد. این حمله‌ها پیش از اعلام موجودیت رسمی جنبش فتح در سال ۱۹۶۵ و استقرار گروههای چریکی فلسطینی در جنوب لبنان، در آغاز دهه هفتم قرن گذشته اتفاق

نیروی دریایی آمریکا، انگلیس، ایتالیا و فرانسه به بهانه کمک به تحکیم سلطه بشیر جمیل، رئیس جمهور دست نشانده اسرائیل، در پایتخت لبنان مستقر شدند. دیری نپایید که با اجرای چند عملیات شهادت طلبانه از سوی گروههای مبارز لبنان برضد قرارگاههای سربازان آمریکا، فرانسه و انگلیس، این نیروها از لبنان فرار کردند. گروههای ناشناس به نام مستعار «سازمان جهاد اسلامی» مسئولیت این عملیات را به عهده

افزون بر آن، جنوب لبنان پیوسته مورد حمله‌های محدود و مقطعی، بمبارانهای هوایی، محاصره دریایی و گلوله باران نظامیان رژیم صهیونیستی بوده است. در نتیجه این حمله‌های ددمنشانه، تعداد بسیاری از خانه‌های مردم ویران شده، هزاران تن آواره و ده ها تن ربهوده یا تبعید شدند، مزارع آنها به آتش کشیده و یا به وسیله بولدوزرهای ارتش اسرائیل هموار شد. در سال ۱۹۷۶، نیروهای بازدارنده عرب، به منظور پایان دادن به جنگهای داخلی لبنان و بنا به توصیه اتحادیه عرب، در لبنان استقرار یافتند. در سال ۱۹۷۸، پس از حمله اسرائیل به لبنان و



استقرار یافتند. سرگرد سعد حداد، افسر شورشی ارتش لبنان مسئولیت گروههای مسلح در نوار امنیتی را به عهده گرفت. مدتی بعد سرگرد سامی الشدیاق با منشعب شدن از حداد، به نیروهای فالانژ لبنان (القوات اللبنانية) وابسته به بشیر جمیل پیوست. دولت لبنان در چهارچوب تلاش برای اجرای قطعنامه ۴۲۵ شورای امنیت مورخ ۱۹ ژانویه سال ۱۹۷۸، در روز ۲۵ آوریل همان سال کوشید تا واحدهای ارتش را در مناطق جنوبی کشور مستقر کند، اما اسرائیل و شبه نظامیان وابسته مانع از این اقدام شدند. رژیم صهیونیستی در پی برقراری نوار امنیتی مرزی و به منظور فراهم کردن زمینه تردد آسان خودروها و نظامیان اشغالگر، بخش‌های وسیعی از اراضی کشاورزی جنوب لبنان را هموار و به راهسازی واحداث پلهای ارتباطی اقدام کرد. اندکی نگذشته بود که کالاهای مصرفی ساخت اسرائیل به روستاهای جنوب سرازیر شدند و سایر گذرگاههای مرزی به ویژه «گذرگاه پاک» به محل جابه‌جایی بیماران و مجروحان و قاچاق انواع اسلحه و جنگ افزار به سوی شبه نظامیان مزدور مبدل شدند. در این میان، کارگران و کشاورزان لبنانی ساکن نوار اشغالی، روانه کارخانه‌ها و مزارع فلسطین اشغالی شدند و مهاجرت و کوچ اجباری ساکنان روستاهای جنوب به سوی شمال به شدت ادامه یافت.

سعد حداد، به نام دولت آزاد لبنان، کار توزیع کارتهای شناسایی را در میان اهالی روستاهای جنوب آغاز کرد. وی در ۱۸ آوریل ۱۹۷۹ از شهرک مطله در داخل مرز اسرائیل، تشکیل دولت لبنان آزاد را اعلام کرد. این دولت در زمینی به مساحت ۷۰۰ کیلومتر مربع، به طول ۹۰ کیلومتر و عرض ۱۰ تا ۱۲ کیلومتر تشکیل شد. دولت لبنان آزاد که توسط حداد اعلام شد، در برگیرنده ۵۵ شهرک و روستا با جمعیتی حدود صد هزار نفر بود. قلمرو این دولت از شهرک شعرا در شرق لبنان آغاز شد و تا بندر ناقوره در ساحل دریای مدیترانه امتداد داشت. رژیم صهیونیستی گهگاه بخشهایی از خاک لبنان، به ویژه مناطقی در اطراف روستاهای علما الشعب، عینا الشعب، عدیسه، کفر شوبا و سرچشمه رودخانه وزانی را در منطقه مرزی ضمیمه فلسطین اشغالی میکرد. این رژیم همچنین با هدف تصرف منابع آب رودخانه‌های وزانی و حاصیانی، تاسیساتی را روی این رودخانه‌ها احداث کرد. این اقدامات موجب شدند که دولت لبنان در ژوئن ۱۹۸۰ به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کند.

مردخای گور، رئیس پیشین ستاد مشترک اسرائیل، در خاطرات خود درباره عملیات لبنانی چنین می‌نویسد، «این حمله به هدف انتقام‌گیری از عملیات گروهی از چریکهای فلسطینی انجام گرفت.» گفته میشود چریکهای فلسطینی در تاریخ ۲/۱۱/۱۹۷۸ از طریق دریا وارد جاده ساحلی اسرائیل شدند و با حمله به تعدادی اتوبوس، ۳۷ تن از صهیونیستها را به هلاکت رساندند. مناخیم بگین نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی، ظاهراً به منظور آرام ساختن افکار عمومی اسرائیل دستور این عملیات را صادر کرد. گور در این عملیات تصمیم گرفت بخشی از خاک لبنان را تا عمق ده کیلومتری اشغال و پایگاههای چریکهای فلسطینی را در منطقه میان جبل الشیخ تا ساحل مدیترانه جمع آوری کند. موشه دیان وزیر خارجه وقت رژیم صهیونیستی پیشنهاد کرد بخشهای وسیعی از خاک لبنان در اشغال اسرائیل باقی بماند، اما مناخیم بگین از این پیشنهاد چشم پوشید و خواستار خروج فوری ارتش از لبنان شد. آرییل شارون، وزیر پیشین کشاورزی، پیشنهاد کرد مناطق مسیحی نشین جنوب لبنان به یکدیگر وصل شوند تا با همکاری با مزدوران ارتش سعد حداد در منطقه نوار امنیتی مرزی، برای همیشه از امنیت اسرائیل دفاع کنند.

مورد حمله نظامیان اسرائیل قرار گرفت، به ۹۲ روستا آسیب گسترده وارد آمد و شش روستا شهر خیام به کلی ویران شدند. در نتیجه این تهاجم حدود هزار تن کشته شدند و دامنه جغرافیایی این حمله گسترده بین ۳ تا ۱۷ کیلومتر تشخیص داده شد.

«عملیات لبنانی» موجب آوارگی حدود ۲۵۰ هزار لبنانی و ۶۵ هزار فلسطینی از جنوب به مناطق مرکزی و پایتخت لبنان شد. براساس آمارهای منابع رسمی لبنان، در نتیجه این حمله تعداد ۱۱۶۸ لبنانی و فلسطینی به شهادت رسیدند. این در حالی است که منابع اسرائیلی تعداد کشته‌های ارتش این رژیم را ۱۸ تن ذکر کردند. ارتش اشغالگر در آغاز حمله، مردم سه روستای جنوب لبنان را قتل عام کرد. در روستای عیاسیه ۸۱ لبنانی از سن ۲ تا ۸۰ سالگی، در شهر خیام ۳۱ لبنانی بالای ۵۰ سال و در روستای کونین ۳۱ کودک و نوجوان به خاک و خون کشیده شدند. در روز سیزدهم ژوئن ۱۹۷۸، رژیم صهیونیستی اعلام کرد که ضمن باقی ماندن در کمربند امنیتی جنوب لبنان (شامل شهرهای بنت جبیل، مرجعیون، خیام و بخشهایی از شهرستانهای صور و حاصییا)، از همه روستاهای جنوب لبنان عقب‌نشینی کرده است. این در حالی است که نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد (یونیتل)، طبق قطعنامه‌های ۴۲۵ و ۴۲۶ شورای امنیت، در مناطق مشخص شده در جنوب لبنان



بر اساس آمارهای رسمی دولت لبنان، در فاصله سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۴، سه هزار حمله تجاوزکارانه محدود و گسترده از سوی ارتش اسرائیل به لبنان به ثبت رسیده است که در نتیجه آن، ۸۸۰ غیر نظامی لبنانی و فلسطینی کشته و هزاران تن زخمی شده‌اند آمار غیر واقعی بنظر می‌رسد. آغاز جنگهای داخلی لبنان در ۱۳ آوریل سال ۱۹۷۵ سبب شد که مسئولان شیعی لبنان در برابر قدرتمندی فرقه‌های مسیحی، به سر و سامان دادن اوضاع خود بپردازند.

افتاد. پس از جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷، دامنه درگیری در مرز لبنان با فلسطین اشغالی به طرز بی‌سابقه‌ای گسترش یافت. چریکهای فلسطینی، شکست سخت کشورهای عرب را بهترین فرصت برای افزایش عملیات فرسایشی خود بر ضد رژیم صهیونیستی یافتند و از هر روزنه‌ای که در مرزهای فلسطین اشغالی فراهم می‌شد، برای نفوذ به داخل سرزمین‌های اشغالی استفاده می‌کردند. در روز ۲۸ دسامبر سال ۱۹۶۸، هواپیماهای نظامی رژیم صهیونیستی در واکنش به عملیات چریکهای فلسطینی، فرودگاه بین‌المللی بیروت را بمباران کردند. در این حمله ۱۳ فرزند هواپیمای مسافری شرکت هوایی لبنان (میدل ایست) منهدم شدند. عزیمت نیروهای مبارز فلسطینی از فرودگاه بیروت به آتن و حمله به هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ شرکت هوایی اسرائیل (العال)، بهانه صهیونیستها برای بمباران فرودگاه بیروت بود. در حمله چریکهای فلسطینی به هواپیمای شرکت العال، یک صهیونیست به هلاکت رسید و یک میهماندار نیز زخمی شد.

بر اساس آمارهای رسمی دولت لبنان، در فاصله سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۴، سه هزار حمله تجاوزکارانه محدود و گسترده از سوی ارتش اسرائیل به لبنان به ثبت رسیده است که در نتیجه آن، ۸۸۰ غیر نظامی لبنانی و فلسطینی کشته و هزاران تن زخمی شده‌اند آمار غیر واقعی بنظر می‌رسد. آغاز جنگهای داخلی لبنان در ۱۳ آوریل سال ۱۹۷۵ سبب شد که مسئولان شیعی لبنان در برابر قدرتمندی فرقه‌های مسیحی، به سر و سامان دادن اوضاع خود بپردازند. روزنامه‌های رژیم صهیونیستی که از برخی از گروههای شبه نظامی مسیحی لبنان حمایت می‌کردند، صفحات خود را به درج مطالب بحث‌انگیزی درباره سرنوشت مسیحیان لبنان اختصاص دادند. خطر اسلامگرایی، سرنوشت حاکمیت مسیحیان، دخالت سوریه در لبنان و به وجود آمدن کانونهای فرقه‌ای در لبنان از مباحثی بودند که صفحات روزنامه‌های اسرائیل را پر کرده بودند. شیمون پرز، وزیر جنگ پیشین رژیم صهیونیستی، در روز ۲۶ ژانویه ۱۹۷۶، اعلام کرد که اسرائیل مرز خود را در برابر آوارگان مسیحی لبنان باز کرده است. در روز دهم مارس ۱۹۷۶، رژیم صهیونیستی با افتتاح رسمی «گذرگاه پاک» در مرز لبنان، عملاً به یکی از طرفهای شرکت کننده در جنگهای داخلی لبنان تبدیل شد. در همین حال، کمک‌های رژیم صهیونیستی به گروههای نظامی و دسته‌های شبه نظامی مسیحی منشعب شده از ارتش لبنان که به سرکردگی سرگرد سامی الشدیاق و سرگرد سعد حداد در جنوب مستقر شده بودند، سرازیر شد. این گروهها در سال ۱۹۷۶ سراسر مناطق مرزی لبنان با فلسطین اشغالی را به تصرف خود درآوردند و کوشیدند از عملیات مقاومت فلسطینی و جنبش امل به رهبری امام موسی صدر جلوگیری نمایند. در آغاز سال ۱۹۷۷، محافل نظامی اسرائیل برای جلوگیری از نزدیک شدن نیروهای سوری و فلسطینی به مرز، سرگرم ترسیم نوار امنیتی در جنوب لبنان شدند. این نوار امنیتی از شهر جزین در شرق صیدا تا رودخانه لیتانی ادامه داشت.

حمله نظامی سال ۱۹۷۸: «عملیات لیتانی»

در بامداد روز پانزدهم مارس ۱۹۷۸، چند لشکر رژیم صهیونیستی به استعداد ۲۰ هزار نظامی، در عملیات وسیعی به نام «عملیات لیتانی»، از سه محور به جنوب لبنان حمله کردند. در این عملیات که هفت روز ادامه داشت، حدود ۲۰۲۰ کیلومتر مربع از خاک جنوب لبنان از مرز فلسطین اشغالی تا رودخانه لیتانی به اشغال اسرائیل در آمد. در پی این عملیات، صلیب سرخ جهانی با انتشار گزارشی اعلام کرد که ۱۵۰ روستای جنوب لبنان

مناخیم بگین پیشهاد کرد ارتش اسرائیل تا مدت زمان معینی در لبنان باقی بماند، اما عزز وایزمن، وزیر پیشین جنگ و رئیس پیشین رژیم صهیونیستی، خواست که منطقه نوار اشغالی همچنان در اختیار اسرائیل قرار داشته باشد تا از آن به عنوان اهرم فشار برسد دولت لبنان استفاده شود.

حمله نظامی سال ۱۹۸۲: عملیات «سلامت جلیل» سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۲ برای جهان عرب و فلسطین اشغالی، سالهایی بسیار دشوار بودند. ائتلاف حزب دست راستی لیکود به رهبری مناخیم بگین در سال ۱۹۷۷، قدرت را در اسرائیل به دست گرفت. معاهده صلح کمپ دیوید که میان مصر و رژیم صهیونیستی امضا شده بود، شکافی را در جهان عرب به وجود آورد. در سال ۱۹۸۱، بحران موشکی میان سوریه و اسرائیل بروز کرد که با بمباران سکوها موشکی ضد هوایی سوریه در روزهای ۹ ژوئن و ۸ سپتامبر سال ۱۹۸۲ توسط هواپیماهای نظامی اسرائیل پایان یافت. سوریه این سکوها را در مرز خود با لبنان نصب کرده بود. هواپیماهای نظامی اسرائیل در روز هفتم ژوئن سال ۱۹۸۱، نیروگاه هسته‌ای «تموز» در نزدیکی بغداد را بمباران کردند. در بهار و تابستان سال ۱۹۸۱، جنگ میان مقاومت فلسطین و نیروهای رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان شدت گرفت. در پی میانجی‌گری آمریکا در این جنگ، در روز ۲۴/۷/۱۹۸۱ میان طرفهای درگیر، آتش‌بس برقرار شد. سازمان آزادیبخش فلسطین برای این که بهانه حمله مجدد به لبنان را به اسرائیل ندهد، پایبندی خود را به این تفاهم‌نامه اعلام کرد. در اکتبر سال ۱۹۸۱، انور سادات رئیس جمهور پیشین مصر، توسط سروان خالد اسلامبولی کشته شد. در دسامبر همان سال، پارلمان رژیم صهیونیستی (کنیست) قانون صمیمه کردن ارتفاعات جولان سوریه به خاک اسرائیل را تصویب کرد. در

در پی انهدام سفارت آمریکا در بیروت و عقب‌نشینی نظامیان اسرائیل از بخش وسیعی از جنوب لبنان، امین جمیل که به جاننشینی برادر مقتول خود بشیر جمیل به ریاست جمهوری انتخاب شده بود، به ضعف و انزوا گرایید و موضع احزاب و گرایشهای اسلامی لبنان به نفع نیروهای ملی و ضد سازش استحکام یافت. در ششم فوریه سال ۱۹۸۲، نیروهای شیعی با برنامه‌ریزی و هماهنگی حزب الله و جنبش امل، در بیروت و سایر شهرهای لبنان به قیام برخاستند و کنترل اوضاع مناطق خود را به دست گرفتند.

گسترده، انهدام ساختار نظامی سازمان آزادیبخش فلسطین و جایگزینی نظام سیاسی طرفدار اسرائیل در لبنان و برقراری صلح با آن بود. در حقیقت هدف این عملیات دور کردن نیروهای فلسطینی تا فاصله ۴۰ کیلومتری مرز فلسطین اشغالی اعلام شده بود، اما اسرائیلیها اهداف پنهان دیگری را هم تدارک دیده بودند. کنترل مناطق راهبردی لبنان مانند ارتفاعات «الباروک» که از آن میتوان بر سرزمینهای سوریه، ترکیه، عراق، اردن، مصر و سایر مناطق لبنان تسلط نظامی داشت، از اهداف پنهان این حمله بود. اسرائیل پس از نبردهای سنگین و بمباران سه ماهه شهر بیروت، انهدام شبکه‌های آب و برق و اشغال بخش غربی بیروت، سرانجام در روز ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۲ با کمک فیلیپ حبیب، فرستاده آمریکا توانست به حضور مسلحانه جناحهای سازمان آزادیبخش فلسطین در لبنان پایان دهد، بشیر جمیل فرمانده شبه نظامیان فلائزر را بر کرسی ریاست

لبنان داشت با بن بست جدیدی مواجه شد و فرماندهان نظامی، آن نخستین قربانیان این عملیات شدند. مناخیم بگین، نخست وزیر وقت اسرائیل، پس از چند ماه گوشه‌نشینی و احساس سرافکنده‌گی، در ابتدای سال ۱۹۸۴ از سمت خود کناره‌گیری کرد. آرنیل شارون، وزیر جنگ پیشین نیز پس از این که هیئت عالی قضایی، وی را در حمله به لبنان مقصر دانست، به ناچار از سمت خود استعفا کرد و رافائیل لیتان رئیس ستاد مشترک ارتش نیز به دنبال او از مقام خود کناره‌گیری کرد.

لبنان در نتیجه این حمله سنگین نظامی، بهای سنگینی پرداخت. برحسب آمارهای رسمی لبنان که در روز ۳۰ نوامبر سال ۱۹۸۲ انتشار یافت، در نتیجه حمله نظامی رژیم صهیونیستی، ۱۹ هزار و ۸۵ تن کشته و ۳۱ هزار و ۹۱۵ تن زخمی و نیم میلیون تن آواره شدند. براساس آمار وزارت جنگ رژیم صهیونیستی، تلفات نظامیان آن رژیم ۲۴۹ تن کشته و دو هزار و ۱۲۷ زخمی اعلام شد، ولی مطبوعات اسرائیل ارقام بیشتری را از تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها از ارتش اسرائیل در لبنان ارائه دادند. به طور مثال، روزنامه هآرتس در شماره روز ۱۹۸۴/۵/۳، تلفات اسرائیل را در لبنان و در جریان عملیات «سلامت جلیل» ۶۰۰ کشته و ۳۵۰۰ زخمی و چهار میلیارد دلار خسارت مالی اعلام کرد. رژیم صهیونیستی، تلفات و خسارت جنگ اخیر لبنان را نیز پنهان و از بیان آمار صحیح خودداری میکند.

ارتش جنوب لبنان: از حداد تا فروپاشی

در ۱۵ ژانویه سال ۱۹۸۴، به دنبال مرگ سعد حداد، ارتش رژیم صهیونیستی مسئولیت فرماندهی مزدوران را در نوار امنیتی، به سرتیپ بازنشسته ارتش لبنان، آنتوان لحد واگذار کرد. او در آوریل همان سال نام ارتش لبنان آزاد را به ارتش جنوب لبنان تغییر داد. لحد به منظور تقویت این ارتش، تشکیلات آن را بازسازی و جوانان منطقه را وادار به پیوستن به آن کرد. آنتوان لحد با هدف برقراری موازنه میان نیروهای شاغل در این ارتش، کوشید جوانان شیعه را به استخدام در بیاورد و دستمزدها را هم افزایش داد، زیرا ۷۰ درصد از مزدوران این ارتش را مسیحیان تشکیل میدادند. عملیات کوبنده و پی‌درپی رزمندگان مقاومت اسلامی، انسجام ارتش لحد را در آستانه فروپاشی قرار داد. مأموران اطلاعاتی مقاومت اسلامی نیز در واحدهای ارتش لحد رخنه کردند و توانستند ضربه‌های جبران‌ناپذیری را به آنان وارد کنند. رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان (شاخه نظامی حزب الله) در ۲۵ مه سال ۲۰۰۰ موفق شدند نوار مرزی جنوب لبنان را آزاد کنند. در پی آزادی جنوب، سرتیپ آنتوان لحد و مزدوران او به فلسطین اشغالی گریختند و تاکنون مورد حمایت صهیونیستها قرار دارند. صدها تن از این مزدوران که امکان ادامه زندگی در فلسطین اشغالی را نداشتند، به تدریج به لبنان بازگشتند که هرکدامشان پس از شش ماه تا دو سال زندان آزاد شدند و زندگی جدیدی آغاز کردند.

لغو موافقتنامه صلح لبنان با اسرائیل

به موازات افزایش عملیات شهادت طلبانه «سازمان جهاد اسلامی» برضد نیروهای چندملیتی غربی که به فرار آنها از لبنان منجر شد و نیز در پی انهدام سفارت آمریکا در بیروت و عقب‌نشینی نظامیان اسرائیل از بخش وسیعی از جنوب لبنان، امین جمیل که به جاننشینی برادر مقتول خود بشیر جمیل به ریاست جمهوری انتخاب شده بود، به ضعف و انزوا گرایید و موضع احزاب و گرایشهای اسلامی لبنان به نفع نیروهای ملی و ضد سازش استحکام یافت. در ششم فوریه سال ۱۹۸۲، نیروهای شیعی با برنامه‌ریزی و هماهنگی حزب الله و جنبش امل، در بیروت و سایر شهرهای لبنان به قیام برخاستند و کنترل اوضاع مناطق خود را به دست گرفتند. به موازات تشدید انتفاضه مردمی در مناطق گوناگون لبنان، هیئت وزیران لبنان در پنجم مارس ۱۹۸۴ جلسه اضطراری تشکیل داد و به طور یک



جمهوری این کشور بنشانند و با او قرار داد صلحی موسوم به موافقتنامه هفدهم ماه مه سال ۱۹۸۳ را امضا کند. مقاومت دلبرمردانه مردم لبنان، اسرائیل را ناچار ساخت به اشغال ۱۳ روزه شهر بیروت پایان دهد و در روزهای ۲۷ و ۲۸/۹/۱۹۸۲ از بخش غربی بیروت تا منطقه خلد در ۱۰ کیلومتری جنوب این شهر عقب‌نشینی کند. اسرائیل که از عملیات گسترده «سلامت جلیل» انتظار پیروزی و تحقق اهدافش را در

ابتدای سال ۱۹۸۲ اوضاع جنوب لبنان به شدت متشنج شد و اسرائیل نیروهای کمکی خود را در داخل نوار مرزی لبنان مستقر کرد. رژیم صهیونیستی در تاریخ ۲۱/۴/۱۹۸۲ با بمباران منطقه دامور در کوهستانهای شرق بیروت، تفاهم‌نامه آتش‌بس با فلسطینیها را نقض کرد. در ششم ژوئن سال ۱۹۸۲، نظامیان صهیونیست، عملیات «سلامت جلیل» را آغاز کردند. اهداف اساسی این حمله



جانیه موافقتنامه ۱۷ ماهه صلح با رژیم صهیونیستی را لغو کرد. مجلس نمایندگان لبنان (پارلمان) نیز در روز ۲۱ مه ۱۹۸۷ با تشکیل جلسه‌ای فوق العاده، برمجوز امضای موافقتنامه مزبور که برای دولت صادر کرده بود، خط بطلان کشید. در پی لغو این موافقتنامه، عملیات مقاومت اسلامی برضد ارتش اشغالگر و شبه نظامیان مزدور، به جنگ فرسایشی تبدیل شد. آتش این عملیات گاهی هم دامنگیر شهرکهای صهیونیست نشین شمال اسرائیل میشد. رزمندگان مقاومت اسلامی با شلیک موشکهای کاتیوشا، زندگی عادی شهرک نشینان صهیونیست را دشوار میکردند.

تهاجم نظامی سال ۱۹۹۳: عملیات «تسویه حساب»
جنوب لبنان در دهه نهم قرن گذشته، شاهد دو حمله گسترده نظامی اسرائیل بود. رژیم صهیونیستی با هدف مقابله با عملیات مقاومت اسلامی و اثرگذاری برگرفت و گوهای سازش در خاورمیانه، سیاست زمین سوخته را در جنوب لبنان اجرا کرد. اسحاق رابین نخست وزیر وقت اسرائیل، در چهارچوب تلاش برای حفظ منافع این رژیم، سعی کرد در محورهای گوناگون گفت و گوهای سازش مانور دهد. رابین مدتی گفت و گو با فلسطینی ها را مدیریت کرد و مدتی هم به سمت محورهای سوریه و لبنان چرخید. او در ۲۵ ژوئیه سال ۱۹۹۳، تهاجم گسترده ای را در قالب عملیات «تسویه حساب» لبنان سازماندهی کرد. این عملیات که هفت روز به طول انجامید، مناطق بسیاری در جنوب، شمال، بقاع و اطراف بیروت را در بر گرفت. رژیم صهیونیستی همچون همه جنگهای خود در لبنان، در این حمله از انواع سلاحهای کشتار جمعی استفاده و شیوه سرزمین سوخته را اجرا کرد.

منابع رسمی لبنان در آمارهایی که منتشر ساختند، اعلام کردند که در نتیجه این تهاجم وحشیانه، ۱۳۲ لبنانی شهید و حدود ۵۰۰ تن زخمی شدند. همچنین بیش از ده هزار واحد مسکونی در ۱۲۰ روستای جنوب تخریب شد و به بیست هزار واحد دیگر آسیب وارد آمد. بر اثر بمبارانهای وحشیانه هواپیماهای نظامی اسرائیل، سیصد هزار تن از مردم مناطق جنوب و بقاع آواره و مدارس، پلها، راهها، شبکه های آب و برق و بسیاری از تأسیسات دولتی منهدم شدند. بر حسب آمارهای ارتش اسرائیل، ۲۳ نظامی صهیونیست در این عملیات به هلاکت رسیدند و ۶۷ تن دیگر زخمی شدند. براساس توافقی که با دخالت برخی از طرف های بین المللی و منطقه ای به عمل آمد، قرار شد که پرتاب موشک های کاتیوشا از لبنان به شمال فلسطین اشغالی متوقف شود و متقابلاً رژیم صهیونیستی متعهد شد که از بمباران یا گلوله باران روستاهای پرجمعیت و مناطق مسکونی غیر نظامی جنوب لبنان خودداری کند. با آن که مقاومت اسلامی، عملیات ضد صهیونیستی خود را بر ضد اشغالگران و مزدوران ارتش آنتوان لحد، در داخل خاک لبنان متمرکز کرده بود، اما این توافق مدت زیادی پایدار نماند. هرگاه تعداد کشته شدگان اسرائیلی مستقر در نوار امنیتی مرزی جنوب لبنان افزایش می یافت، رژیم صهیونیستی حمله های گسترده نظامی خود را از سر می گرفت.

حمله نظامی سال ۱۹۹۶: عملیات «خوشه های خشم»
رژیم صهیونیستی از نیمه سال ۱۹۹۵، دامنه عملیات نظامی خود را در جنوب لبنان گسترش داد، زیرا قید و بندها و محدودیت های تفاهم نامه ژوئیه سال ۱۹۹۳ که در پی عملیات «تسویه حساب» امضا شد، ارتش آن رژیم را به ستوه آورد. رژیم صهیونیستی در ۱۱ آوریل سال ۱۹۹۶ حمله نظامی وسیعی را به نام عملیات «خوشه های خشم» در لبنان آغاز کرد. ارتش اسرائیل با بمباران مرکز نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد در روستای «قانا» که دهها تن از زنان و کودکان بی دفاع جنوب لبنان به آن پناه برده بودند، قتل عام فجیعی را مرتکب شد. این جنایت نقش به

نمودار عملیات مقاومت اسلامی در مناطق گوناگون لبنان، از ژوئیه ۱۹۸۲ تا دسامبر ۱۹۸۴

ماه	سال	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴
ژانویه	-	۱۰	-	۶۱
فوریه	-	۳	-	۴۵
مارس	-	۱۳	-	۳۷
آوریل	-	۲۱	-	۴۴
مه	-	۳۱	-	۳۴
ژوئن	-	۳۲	-	۷۰
ژوئیه	۱	۴۲	-	۷۵
اوت	-	۲۸	-	۷۸
سپتامبر	۳	۱۸	-	۸۸
اکتبر	۱۲	۲۹	-	۹۰
نوامبر	۱۰	۲۵	-	۹۱
دسامبر	۱۴	۴۴	-	۹۹
مجموع	۴۰	۲۹۶	-	۸۱۲

نمودار نوع عملیات مقاومت اسلامی برضد اشغالگران

نوع عملیات	تعداد
کمین	۳۴۴
بمب گذاری	۳۰۰
حمله مستقیم	۲۸۲
شلیک موشک	۹۲
پرتاب بمب	۳۷
عملیات انفرادی	۱۱
حمله دریایی	۲

نمودار مناطق گوناگون لبنان که صحنه عملیات ضد صهیونیستی رزمندگان مقاومت اسلامی بوده است

مناطق	تعداد عملیات
صیدا	۴۰۱
صور	۲۳۳
نبطیه	۲۰۹
بقاع غربی	۴۸
جزین	۳۸
راشیا	۳۴
عالیه	۳۳
شوف	۳۲
مرجعیون	۲۵
بنت جبیل	۱۷

سزایی در ناکامی رژیم صهیونیستی و دگرگونی روند جنگ به نفع مقاومت اسلامی داشت. براساس تفاهم به عمل آمده، عملیات حزب الله، دفاعی اعلام و مقاومت رزمندگان اسلامی برای آزادی مناطق اشغالی جنوب لبنان از سوی امضاء کنندگان این تفاهم نامه به رسمیت شناخته شد. در فلسطین اشغالی، قتل عام روستای «قانا» اثر چشمگیری در سرنگونی شیمون پرز از سمت نخست وزیری اسرائیل و برگزاری انتخابات زود هنگام نخست وزیری داشت. در انتخاباتی که یک ماه پس از قتل عام قانا برگزار شد، پرز سقوط کرد و بنیامین نتانیاهو به جانشینی او برگزیده شد.

تفاهم نامه آوریل در روز ۲۶/۴/۱۹۹۶ با میانجیگری آمریکا، فرانسه، جمهوری اسلامی ایران و سوریه، میان لبنان و رژیم صهیونیستی امضا و در پی آن عملیات خوشه های خشم متوقف شد و کمیته ای بین المللی برای نظارت بر اجرای آتش بس و جلوگیری از حمله به مناطق مسکونی و غیر نظامی تشکیل یافت. نمایندگان لبنان، سوریه، فرانسه، آمریکا و اسرائیل در این کمیته عضویت داشتند و در صورت بروز مشکل، کمیته مزبور به آن رسیدگی میکرد. در این تفاهم نامه تصریح شده است که حمله گروه های مسلح از خاک لبنان به شمال اسرائیل مجاز نیست و روستاهای جنوب نباید پایگاه عملیات گروه های مقاومت اسلامی باشند. طبق این تفاهم نامه، رژیم صهیونیستی و مزدوران ارتش آنتوان لحد در نوار امنیتی اشغالی موظف شدند از حمله به مناطق غیر نظامی در لبنان با هر نوع سلاحی خودداری کنند.

دیری نپایید که هر یک از طرفهای دگرگین، به ویژه رژیم صهیونیستی، بندهای این تفاهم نامه را طبق منافع و بر اساس برداشت خود تفسیر کردند. مقاومت اسلامی طی دو سال، پایبندی خود را به این تفاهم نامه نشان داده و عملیات مسلحانه برضد اشغالگران و مزدوران آنان را در مرزهای لبنان محدود کرده بود، اما هرگاه ارتش رژیم صهیونیستی برخلاف تفاهم نامه آوریل، روستاهای جنوب لبنان را گلوله باران می کرد و غیر نظامیان را به خاک و خون می کشید، مقاومت اسلامی لبنان، شمال فلسطین اشغالی را آماج حمله های موشکی قرار می داد. در نتیجه عملیات خوشه های خشم، ۱۵۳ شهروند، ۵ نظامی لبنانی و ۱۳ رزمنده مقاومت اسلامی شهید و ۳۹۵ غیر نظامی زخمی شدند. یک کمیته وابسته به سازمان ملل متحد با انتشار گزارشی اعلام کرد که ۱۵۹ روستا و ۷۲۰ واحد مسکونی، چند باب بیمارستان، مدرسه، مسجد، کارخانه تولید برق، مخزن آب، چاه عمیق و پل ارتباطی، در نتیجه حمله ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان آسیب کلی دیدند.

منابع اسرائیلی در آن هنگام ادعا کردند که ارتش اسرائیل در این عملیات تلفات نداشته و تنها ۱۲۷ نظامی زخمی شده اند، اما اطلاعاتی که سخنگوی ارتش اسرائیل در دوم سپتامبر سال ۱۹۹۸ منتشر ساخت، بدون اشاره به عملیات خوشه های خشم، تعداد سربازان اسرائیلی را که در سال ۱۹۹۶ در جنوب لبنان کشته شده بودند، ۲۶ تن ذکر کرد. ■